

نگاهی به جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در رشته تاریخ و پی آمدهای آن

سید مندر حکیم *

چکیده

تمدن عظیم اسلامی مرهون جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در جامعه جاهلی گذشته - که بستر نزول قرآن بود - می‌باشد.

جامعه جاهلی گذشته پرست، به وسیله قرآن، با توجه ویژه به اعماق تاریخ، به علت‌های تحول و تکامل جوامع بشری دست یافت، و با دانش‌های برگرفته (شده) از قرآن کریم به تاریخ‌شناسی و شناخت عمیق فلسفه تاریخ راه یافته، و با توجه به منبع سرشار معرفتی - یعنی قرآن کریم - به سوی آینده‌شناسی و آینده‌سازی حرکت نمود و در زمانی بسیار کوتاه پرچم‌دار تحقق یک جنبش عظیم معرفتی در جامعه نوپای اسلامی شد. علوم اسلامی نشانه این تحول و جنبش عظیم نرم‌افزاری است که در کم‌تر از سه قرن پدیدار شد. نگرش قرآن به دانش و منهج تعامل قرآن با دانش، از مهم‌ترین علت‌های این جنبش نرم‌افزاری است که در این مقاله مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: جنبش نرم‌افزاری، قرآن کریم، رشته تاریخ.

مقدمه

قرآن کریم که در جامعه‌ای جاهلی و بیگانه با علوم روز خود، بر یک فرد درس نخوانده فرود آمد، فرهیختگانی منحصر به فرد به وجود آورد، و بیروانی نخبه و دانشمندی با معارف عمیق تربیت نمود و جامعه جهانی را از تاریکی‌های اسطوره‌ها و تخیلات، به قله‌های رفیع علم و معرفت رساند. تمدن عظیم اسلامی مرهون جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در آن جامعه جاهلی - و پی آمدهای آن در سایر جوامع بشری که به آغوش اسلام ^(پس) یافته و از خرمن معارف قرآن خوشه‌چینی نمودند - می‌باشد.

۵۹۱۸

جامعه جاهلی گذشته پرست، از گذشته پرستی دست برداشت و به سوی اعماق تاریخ توجه نمود، و دلایل تحوّل و تکامل جوامع بشری را شناخت، و با دانش‌های برگرفته شده از رهنمودهای قرآنی به تاریخ‌شناسی و فلسفه تاریخ راه یافته، و با این منبع معرفتی سرشار از حقایق، به سوی آینده‌شناسی و آینده‌سازی حرکت کرد، و در مدتی بسیار کوتاه یک جنبش عظیم معرفتی در جامعه اسلامی نوپا به وجود آمد.

علوم اسلامی - از قرآن‌شناسی گرفته تا علوم حدیث و فقه و اصول و سپس ریاضیات و نجوم و طب و شیمی و فلسفه و کلام و انواع هنر - نشانه این تحوّل عظیم نرم‌افزاری می‌باشد که در کم‌تر از سه قرن به وجود آمد.

نگرش قرآن کریم به علم، نگرشی متفاوت از نگرش جوامع آن روز یا امروز می‌باشد و این نگرش، یکی از عوامل اساسی تحوّل این جنبش نرم‌افزاری است.

منهج و روش تعامل قرآن کریم با مقوله علم، و هدفمند نمودن علم و معرفت، و ابزار قراردادن علم برای مقاصد برتر، با آن نگرش ویژه نسبت به تکامل انسان‌ها، مهم‌ترین عامل‌های این جنبش نرم‌افزاری به شمار می‌روند.

قرآن کریم روح پژوهشگری و تحقیق را در جان‌های خفته بیدار نمود و روش صحیح پژوهش را در سرتاسر قرآن و در آیاتی ویژه مورد توجه قرارداد.^۱

قرآن کریم خود بستری مناسب و منبعی نامحدود برای کاوش و تحقیق می‌باشد، و انسان‌ها را نیز به سایر منابع معرفتی راهنمایی کرده و انگیزه‌های فراوانی برای تحقیق و معرفت و کشف در سایر منابع معرفتی به وجود می‌آورد.

یکی از منابع معرفتی نامحدود و قابل توجه، گذشته انسان‌ها و جوامع بشری است، که معارفی فراوان و با ارزش برای ایجاد تحوّل پیوسته در جامعه انسانی، به انسان‌های تاریخ‌شناس و تحلیل‌گر ارایه می‌دهد، و آنان را برای آینده‌شناسی و آینده‌سازی در بهترین شرایط قرار می‌دهد.

آنچه در این مقاله به اختصار مطرح می‌شود، نگاه قرآن کریم به علم و به مقوله تاریخ و به خود قرآن کریم است که ریشه‌های این تحوّل نرم‌افزاری را نشان خواهد داد و در یک اصطلاح نامه و هفت فصل ارایه می‌گردد:

۵۹۱۹

۱- به سوره زمر آیه ۱۸ توجه فرمایید که در بردارنده روش صحیح پژوهش و انتخاب مبنای علمی در مسایل مختلف می‌باشد.

اصطلاح‌نامه (واژه نامه)

۱ - جنبش نرم‌افزاری

تحوّل علمی و تولید علم و دانش را جنبش نرم‌افزاری نام نهاده، و این تحوّل، شامل تحوّل در روش دست‌یابی به حقایق علمی نیز می‌گردد. و هنگامی که تکامل علمی از لحاظ کمی و کیفی چشم‌گیر باشد و یک مقطع جدیدی از تحوّل و تکامل علمی به شمار رود به صورت یک جنبش نمودار می‌گردد. بنابراین، جنبش نرم‌افزاری عبارت است از یک تحوّل عظیم در یک یا چند رشته علمی.

۲ - قرآن کریم:

آنچه به صورت وحی قرآنی در ۱۱۴ سوره قرآن کریم گردآوری شده است، مورد نظر ما در این نوشته می‌باشد.

۳ - رشته تاریخ:

علم تاریخ (گذشته‌شناسی - باستان‌شناسی)، تحولات فرهنگی و اجتماعی امت‌ها، فلسفه تاریخ، تاریخ صدر اسلام، تاریخ ملت‌های جهان، تاریخ جهان... و آنچه در رشته تاریخ می‌توان آن را بررسی نمود، مورد نظر ما در این نوشته می‌باشد.

فصل ۱: علم هدایت‌گر

هدایت‌مداری به جای علم پرستی

قرآن کریم به علم و دانش توجهی ویژه دارد. این توجه ویژه عامل اصلی در ایجاد و شکوفایی تمدن اسلامی بوده است.

روشن است که تمدن اسلامی تمدنی مبتنی بر علم و فرهنگ و دانش و ادب بوده، ولی این به آن معنا نیست که قرآن کریم علم‌گرایی و علم‌زدگی را ترویج نموده و فرهنگ علمی خود را بر این اساس ساخته و پرداخته است.

قرآن کریم اصطلاح «هدایت» و مشتقات آن را حدود ۳۴۰ مورد و در کنار «علم» و مشتقات آن در بیش از ۷۰۰ مورد آورده است، که با محور قرار دادن هدایت برای انسان‌ها، توجهی ویژه به علم دارد. تعبیر قرآن در جریان هبوط آدم به سرزمین تکلیف و مسئولیت، چنین است:

۵۹۲.

فصل ۲: جایگاه ویژه قرآن کریم در پژوهش‌های تاریخی

ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن کریم را در این بخش نمی‌توان نادیده گرفت؛ ویژگی‌هایی که قرآن کریم را منبعی اجتناب‌ناپذیر برای پژوهش‌های تاریخی قرار می‌دهد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱- جامعیت قرآن کریم:

قرآن کریم بر خاتم پیامبران فرود آمده و برترین دلیل و سند جاوید بر حقایق خاتم ادیان و آخرین شرایع الهی بوده و می‌باشد. جاوید بودن قرآن و خاتمیت دین مبین اسلام مستلزم جامعیت این کتاب آسمانی و توجه او به تمام نیازهای انسانی در طول مسیر تکاملی بشریت بوده است؛ ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾

قرآن مسأله این که قرآن کریم با توجه به مجموعه اهدافی که برای تربیت انسان‌ها در طول مسیر تکامل و ویژه بشر در نظر داشته، حتماً باید مجموعه نیازهای بشریت را به طور کامل و جامع در نظر گرفته و راه‌های صحیح تأمین این مجموعه نیازها را در اختیار انسان قرار داده باشد.

۲- قرآن منبعی سرشار برای علوم انسانی:

علم و آگاهی مهم‌ترین رابط میان انسان و انسان، انسان و خدا، انسان و جامعه، و انسان و طبیعت می‌باشد، و به همین جهت، مهم‌ترین ابزار برای کسب کمال در اختیار انسان بوده و خواهد بود.

انسان نیز برای دستیابی به کمال، به مجموعه‌ای از علوم انسانی و طبیعی نیازمند است و با توجه به اصل جامعیت قرآن کریم، بسیار طبیعی است که قرآن کریم به علوم مورد نیاز انسان توجه جدی داشته باشد، و به عنوان منبعی سرشار برای این مجموعه از علوم - در حد اطلاع رسانی یا در حد جهت دهی و تعیین هدف و تشخیص مسیر سالم برای رسیدن به علوم و آگاهی‌های مطلوب - ایفای نقش کند.

آیه‌ای که در بحث جامعیت قرآن به آن اشاره شد، گواهی روشن بر منبع بودن قرآن برای تأمین مهم‌ترین نیاز انسان - که در مجموعه‌ای از علوم انسانی تجلی می‌یابد - می‌باشد.

مراجعه پیوسته پژوهش‌گران در علوم مختلف و در طی قرون گذشته به قرآن کریم، و الهام گرفتن آنان از آیات الهی آن، دلایلی دیگر بر سرشار بودن این منبع بزرگ علمی است.

۱- همانجا، ص ۸۸، کتاب (قرآن) را بر تو فرود آوردیم در حالی که بیان کننده هر چیزی است.

۳- قرآن منبعی منحصر به فرد:

قرآن کریم ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را کتابی بی نظیر و منبعی ویژه و بی بدیل قرار می‌دهد.

این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف: منبع وسرچشمه اطلاعات و دانش‌های یاد شده در قرآن کریم، مهم‌ترین و بالاترین منبع است؛

ب: قرآن کریم معجزه‌ای جاوید و ابدی است؛

ج: با وجود تمام تلاش‌های مردمان دشمنان و مخالفان اسلام، قرآن کریم از هرگونه دست‌کاری و تحریف مصون مانده است و برای همیشه اطلاعات و رهنمودهای دست اول، متقن و بی‌شائبه دارد؛

د: حقایق قرآن، با توجه به ویژگی‌های بالا، درجه انطباق اطلاعات قرآنی را با واقعیت‌ها به بالاترین درجه ممکن می‌رساند؛

ه: قرآن با ژرف‌نگری نسبت به انسان و جهان و هدف قرار دادن تربیت، انسان را در این جهان هدف‌دار دانسته و علم و دانش قرآنی را هدف‌مند نموده، و این هدف‌داری و هدف‌مندی با جامعیت نگرش‌های قرآنی همراه می‌باشد.

با توجه به این ویژگی‌ها، قرآن کریم در اتقی بالاتر و در سطحی برتر از هر کتاب و منبع علمی دیگر - برای پژوهش‌گران معتقد به این ویژگی‌ها - قرار خواهد گرفت و کلیه اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود جلب خواهد نمود، همان‌طور که در طول تاریخ بشریت - از عصر نزول قرآن تاکنون - شاهد فتوحات علمی مستند به قرآن کریم بوده و می‌باشیم.

۴- توجه ویژه قرآن به نیازهای واقعی انسان:

قرآن کریم هدف از آفرینش را به کمال رساندن انسان‌ها اعلام نموده است و تجلی این کمال را در پیوستن به خدا و لقاء او مطرح کرده^۱ و عبادت خدا را یگانه راه رسیدن به این فرجام نیک دانسته است.^۲

هم‌چنین هدف از بعثت تمام انبیا - به ویژه خاتم انبیاء ﷺ - را تحقق بخشیدن به هدف برتر آفرینش، یعنی تربیت و تزکیه انسان‌ها در جهت رسیدن به کمال معرفی نموده است.^۳

۱- وَ أَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى (نجم/۴۲)؛ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيُحْمَلْ أَعْمَالَهُمْ خَالِحًا وَ لَأَنْشُرِكُمْ بَعْدَ وَرُبِّهِمْ أَخَذُوا (كهف/۱۱).
۲- مَا خَلَقْتُ الْإِنْسَانَ وَ الْأَنْثَى إِلَّا لِأَنْ يُعْبُدُونِي (ذاریات / ۵۶).
۳- هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ (جمعه / ۲).

﴿فَإِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱

علاوه بر این نکته، در قرآن کریم، تعلیم نیز در کنار تزکیه بلکه در پرتو تزکیه قرار داده شده است.^۲

تزکیه همان تربیت مطلوب است که رستگاری و فلاح انسان در گرو آن قرار داده شده است.^۳ در قرآن کریم همیشه باید سراغ اهداف برتر و هدف نهایی از آفرینش بشریت باشیم، و جایگاه علم و دانش را در یک خط سیر تکاملی، که انسان و رستگاری را به هم ربط می‌دهد، ببینیم، تا بتوانیم دیدگاه قرآن را نسبت به علم و دانش به طور دقیق پیدا نماییم.

از چهار آیه‌ای که تزکیه و تعلیم را در کنار هم مطرح نموده، سه آیه، تعلیم را در پرتو تزکیه و پس از تزکیه یاد کرده است، در حالی که فقط یک آیه، تعلیم را قبل از تزکیه و مقدم بر آن مطرح کرده است که این امر می‌تواند گویای این حقیقت باشد که تعلیم اگر با هدف تزکیه و تربیت انسان انجام می‌گیرد خود نیز تزکیه‌ای دیگر و تربیتی برتر به دنبال خواهد داشت.^۴

هدایت همان دانش هدف‌مندی است که انسان را به آن هدف مطلوب می‌رساند و آن چه به عنوان مهم‌ترین خواسته و نیاز انسان در مهم‌ترین سوره قرآن کریم - فاتحه‌الکتاب - مطرح شده است همان هدایت است که تمام انسان‌ها آن را با تمام وجود از خدا می‌خواهند.

در خواست هدایت به صراط مستقیم در آیه «الْهُدَىٰ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حد/۶) یعنی درخواست راه‌یابی به کوتاه‌ترین راه و بهترین مسیر برای رسیدن به هدف والای آفرینش انسان که خواسته نهفته و آشکار هر انسان است که از اعماق وجود خود، خواهان آن می‌باشد.

بنابراین فراگیری علم و دانش در چنین بستری معنایی ویژه و مفهومی تربیتی خواهد داشت و به همین دلیل جایگاه رفیع علم و معرفت در قرآن کریم جایگاهی منحصر به فرد و ممتاز خواهد بود و همین جایگاه ممتاز علم در قرآن کریم، ریشه انقلاب فرهنگی اسلام و منشأ یک جنبش نرم‌افزاری توسط قرآن کریم بوده است، زیرا قرآن در تاریک‌ترین محیط اجتماعی و در پایین‌ترین سطح علمی در شبه جزیره عربستان فرود آمد که این خود یک معجزه به شمار می‌رود، به ویژه وقتی دریابیم که تمدن عظیم اسلامی را تمدنی ممتاز و رفیع و قابل توجه و قابل ستایش نسبت به سایر تمدن‌ها قرار داده است.

۱- بقره / ۲۸ (هر آینه از سوی من هدایتی برای شما بیاید، هر کس که هدایت مرا پیروی نماید از هر گونه ترس و هراس به دور خواهد بود) تمبیر قرآن به هدایت، به جای علم و دانش، بسیار قابل تأمل می‌باشد.

۲- به سوره بقره، آیه‌های ۱۲۹ و ۱۵۱ و سوره آل عمران آیه ۱۶۴ و سوره جمعه آیه ۲ توجه شود.

۳- به درستی که رستگار شد هر کس که خود را تزکیه نموده (اعلی / ۱۴).

۴- البته آیه‌ای که تعلیم را مقدم بر تزکیه مطرح نموده از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد، در حالی که سه آیه دیگر که تعلیم را پس از تزکیه آورده است از زبان و کلام خداوند متعال است.

فلسفه علم در قرآن کریم

قرآن کریم به زمینه‌های گوناگون معرفتی توجه نموده و علم را به عنوان یکی از عوامل برتری انسان بر ملائک معرفی نموده است؛ همان‌طور که در سوره بقره آمده است: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^۱ سرفصل‌هایی از قرآن کریم که در زمینه علم و دانش الهی و بشری قابل مطالعه و بررسی و استنباط است و باید مد نظر اندیشمندان قرار گیرد و دیدگاه قرآن کریم درباره علم را از آن به دست آورد^۲ از قرار ذیل می‌باشد:

۱- تاریخچه علم در جامعه انسانی؛

۲- حقیقت علم؛

۳- ارزش گوهر علم؛

۴- منابع علم برای انسان؛

۵- ابزار علمی؛

۶- روش‌های علمی؛

۷- مراحل حرکت برای رسیدن به علم؛

۸- مراتب علم و معرفت؛

۹- شرایط لازم برای دستیابی به علم؛

۱۰- موانع دستیابی به علم؛

۱۱- علوم مفید و غیر مفید؛

۱۲- علوم مجاز و ممنوع؛

۱۳- اهداف نهایی و مرحله‌ای در فراگیری علوم؛

۱۴- ظرفیت‌های علوم و ظرفیت‌های انسان؛

۱۵- دانش اندوزی و دانش پژوهی و اندیشمندی؛

۱۶- مسئولیت‌های اندیشمندان و دانش پژوهان؛

۱۷- طبقه بندی علوم و معارف انسانی؛

۱۸- فلسفه علم؛

۱۹- نظام آموزشی؛

۲۰- تولید علم و تکامل علوم و جنبش نرم‌افزاری از دیدگاه قرآن کریم.^۳

۱- بقره / ۳۱: «تمام نام‌ها را به آدم آموخت».

۲- این مجموعه از سرفصل‌ها، می‌تواند نظریه علم در قرآن کریم را نشان دهد.

۳- بررسی دیدگاه قرآن کریم نسبت به این سرفصل‌ها کتابی جامع می‌طلبد که تمام آیات علم و هدایت در قرآن را در کنار هم ببیند و دیدگاه‌های ویژه قرآن را با مسابقی و نمونه‌های قرآنی که بیش از هزار آیه را در بر می‌گیرد، روشن نماید.

بنابراین، لازمه مطرح نمودن چنین هدفی توجه ویژه به مجموعه نیازهای واقعی انسان‌ها است، زیرا تربیت انسان، جز تأمین نیازهای واقعی او و حرکت دادن او به سوی اهداف مورد نظر، از راه پرپای نمودن استعدادهای نهفته او به صورتی مداوم و ایده آل، معنی و مسیر دیگری نخواهد داشت.

فصل ۳: علوم مورد نیاز انسان

علوم و آگاهی، شاهراه انسان‌ها برای تکامل و پویایی و حرکت به سوی اهداف ترسیم شده توسط آفریننده انسان می‌باشد.

آگاهی‌های مورد نیاز انسان برای رسیدن به کمال لایق خود متنوع و گوناگون است.

شناخت خود، شناخت هستی و شناخت جهان یکی از پایه‌های آگاهی‌های مورد نیاز انسان است که بدون آن هیچ‌گونه حرکت تکاملی امکان‌پذیر نمی‌باشد. خودشناسی نیز دامنه‌ای گسترده و جهاتی متعدد دارد که رشته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی را در بر می‌گیرد.

از علوم طبیعی نیز آن‌چه را که انسان به دست می‌آورد می‌تواند در خدمت تکامل خود درآورد. ولی انسان‌ها از بدو آفرینش با داشتن مشترکاتی از امکان رسیدن به کمال لایق برخوردار می‌باشند.

ادیان الهی این مشترکات و آگاهی‌های ضروری را مورد توجه قرار داده و منبعی بسیار خوب برای دستیابی به آن آگاهی‌های ضروری و مشترک بوده، و این آگاهی‌های اساسی در تمام مراحل زندگی بشر همراه او و در اختیار او باید باشند.

علوم تجربی و علوم انسانی

آگاهی، ایمان و تقوا سه موتور محرک انسان به سوی آزادی و کمال لایق او می‌باشند که حرکت تکاملی او را بیمه نموده و او را به مقصد اصلی می‌رسانند.

آگاهی انسان از خود و طبیعت و هستی نیز به آگاهی‌های نظری و تجربی تقسیم می‌شود، و بخشی از علوم نظری، زیربنایی برای علوم طبیعی و تجربی قرار می‌گیرند.

شاید علوم نظری - که نوع بینش انسان را به خود و جهان و هستی ترسیم می‌کند - مهم‌ترین سهم را در تکامل انسان داشته باشد. در حالی که علوم تجربی به سرعت در حال تکامل بوده و تمام انسان‌ها در تمام دوره‌های تاریخی باید از امکان دستیابی به کمال برخوردار باشند تا اهداف برتر آفرینش در هر عصر قابل دستیابی باشد.

۵۹۲۵

ولی معنای این سخن این نیست که علوم طبیعی و تجربی سهمی در تکامل انسان‌ها نداشته و ندارند، بلکه چه بسا می‌توان گفت: به تناسب تکامل علوم طبیعی، سرعت حرکت انسان به سوی اهداف برتر آفرینش بیش‌تر می‌گردد.

فصل ۴: نیاز جدی انسان به رهنمودهای وحیانی در حوزه علوم انسانی

با تجربه حسی مستند به امور عقلی قطعی (یقینی) و بدیهی می‌توان بسیاری از فرضیه‌ها را محک زد و صحت و سقم آن‌ها را به دست آورد.

در حالی که بسیاری از قضایای نظری - که در حوزه علوم انسانی مورد نیاز انسان بوده و می‌باشد - یا قابلیت تجربه حسی نداشته، و یا آن‌که تجربه حسی آن‌ها - که باید مستلزم ایمان به آن‌ها باشد - باید توسط چندین نسل متوالی اجرا گردد و به طور مکرر تجربه شود تا ایمان لازم به آن‌ها حاصل شود، و چنین تجربه‌ای مساوی با بازی با سرنوشت چندین نسل است، و هیچ عاقلی حاضر نیست با سرنوشت خود بازی کند یا دیگران او را مورد آزمایش قرار دهند تا از او بهره‌مند شوند.

به عنوان مثال، در مسئله حتمی بودن معاد و آثار عملی مهم آن که در زندگی روزمره انسان نقشی اساسی دارد، باید به عقل و وحی استناد نمود تا از تکیه‌گاهی محکم و استوار برخوردار باشد.

فصل ۵: جایگاه ویژه علوم تاریخ در مجموعه علوم انسانی

تاریخ مجموعه‌ای از تجربیات گران‌بها و ارزشمند است که می‌تواند مورد مطالعه جدی قرار گیرد. تکرار حوادث مشابه در تاریخ برای ما امکان کشف علل و معلولات را فراهم می‌نماید، و با فراهم آمدن تمام شرایط لازم برای تحقیق و بررسی علمی، بسیاری از مسایل علم تاریخ - هر چند در حوزه علوم انسانی قرار می‌گیرند - رنگی تجربی پیدا نموده و برزخی را میان علوم نظری محض و علوم تجربی تشکیل می‌دهند.

۵۹۲۶

ولی تمام مسایل علوم تاریخ نمی‌تواند در حوزه علوم تجربی مورد مطالعه قرار گیرد یا به حساب علوم تجربی گذاشته شود. و در صورت استفاده علوم تاریخی از عقل و وحی در کنار تجربیات بشری که منبع و سرچشمه اطلاعات تاریخی به شمار می‌روند، می‌توان گفت: علوم تاریخ در مجموعه علوم انسانی بر بسیاری از علوم نظری انسانی تقدّم داشته، و از این نظر یک سر و گردن بالاتر بوده، زیرا همراه با تجربیاتی گران‌بها بوده و به همین خاطر تأثیر بسیار زیادی بر مخاطبین خود داشته است. کسانی که با علوم تاریخی سروکار داشته و دارند، علاوه بر گذشته‌نگری، از آینده‌نگری بسیار خوبی برخوردار می‌باشند و بیش از فلاسفه و متکلمان و فقیهان می‌توانند به درون عقول و نفوس مردم نفوذ کنند.

چنانچه تاریخ را موضوع مشترک «علم تاریخ نقلی» و «علم تاریخ تحلیلی» و «علم فلسفه تاریخ» دانسته و به سراغ مطالب این سه علم در قرآن برویم به روشنی مشاهده خواهیم کرد که بیش از یک سوم قرآن به علوم تاریخ مرتبط می‌باشد و در واقع می‌توان گفت تمام آیات قرآن منبغی تاریخی برای عصر نزول قرآن به شمار می‌رود. ضمن این که آیات فراوانی نیز دربارهٔ ضرورت توجه به تاریخ و بهره‌برداری بهینه از آن در قرآن کریم آمده است.

قرآن کریم عمدهٔ جوامع بشری و حرکت‌های سالم و انحرافی آن جوامع، و مسیر تکاملی یا نزولی آن‌ها را مورد توجه قرار داده، و با پرداختن به تاریخ انسانیت و جهان، از بیان آن چه برای جوامع آینده می‌تواند مفید باشد دریغ نکرده، و پس از بحث‌های معاد و توحید و نبوت، بیش‌ترین و مهم‌ترین بحث‌های زندگی ساز را بحث‌های تاریخی عنوان کرده‌است. به همین دلیل می‌توان به سراغ قرآن رفت و روش تعامل قرآن با تاریخ را به دست آورد و آن را در علوم زندگی ساز خود مورد بهره‌برداری قرار داد.

فصل ۶: برنامه ریزی برای بیگانگی با تاریخ‌شناسی و تاریخ‌گرایی

تاریخ یک جامعه، نشان‌گر عمق و گستردگی ریشه‌های فکری و فرهنگی و انسانی آن جامعه می‌باشد.

یک جامعهٔ ریشه دار با یک جامعه نوپا و بی ریشه بسیار متفاوت می‌باشد، و اصالت فرهنگی و اجتماعی یک ملت مایه قوت و قدرت آن جامعه و ملت است.

قرآن کریم جامعه ایمانی را جامعه‌ای ریشه دار و قوی بینه معرفی نموده و ایمان را سر آغاز حرکت اجتماعی اولین جامعه بشری می‌داند و از مؤمنین انتظار مبارزه همه جانبه و گسترده با جریان‌های انحرافی دارد و برای آن شواهد گوناگون تاریخی ذکر می‌کند.

اما از سوی دیگر، تلاش‌های برنامه‌ریزان فرهنگی در جوامع اسلامی تحت تأثیر بیگانگان قرار گرفته، و آن‌ها در صدد ایجاد بیگانگی جدی مسلمانان با تاریخ خود و به حاشیه‌راندن آن بوده و هستند. این تلاش‌ها بسیار بر معنا بوده و مسلمانان خود را در معرض توطئه‌ای استعماری برای ایجاد بیگانگی آن‌ها با ریشه‌های فرهنگی و تاریخی خود می‌بینند.

این توطئه در جوامعی دیگر نیز مطرح بوده و تا حدودی توانسته است بیگانگی، بحران هویت مسیح فرهنگی را به وجود آورد.

این توطئه حساب شده بسیار جدی است و اهداف استعماری بلندی را تأمین می‌کند.

فصل ۷: راه کارهای بررسی روش تعامل قرآن و تاریخ

ضرورت بررسی راه کارها ز روش تعامل قرآن کریم با تاریخ

قرآن کریم برای تاریخ‌شناسی اهمیتی فراوان قایل شده است و انسان‌ها را به بهره‌برداری بهینه و بایسته از تاریخ در زمینه تربیت و ایجاد تحول در جوامع بشری فراخوانده است، و این مطلب ما را وامی‌دارد تا برای قرآن کریم روشی ویژه در تعامل با تاریخ قایل باشیم، زیرا امکان ندارد که قرآن کریم با این میزان اهمیت که برای تاریخ قایل است، روش صحیح برای تعامل و بهره‌برداری از آن نداشته باشد.

خطوط کلی این روش را می‌توان از طریق شیوه‌های مطرح نمودن تاریخ و بسترهای گوناگونی که تاریخ در آن بسترها مطرح شده است، دریافت.

با توجه به روش ویژه قرآن که در طول قرن‌های گذشته آثار و برکات آن در ایجاد تحول در افراد و جوامع بشری مشاهده می‌شود، لزوم بررسی، مطالعه و کشف تمام اصول این روش تعامل روشن می‌گردد.

کسی که رسالت تاریخ را در ایجاد تحول به روشنی مشاهده می‌کند نمی‌تواند نسبت به بررسی روش و منهج تعامل با تاریخ بی‌تفاوت باشد، بلکه برخورد لازم می‌داند یکی از اولویت‌های علمی خود را پرداختن به تاریخ و منهج تعامل با آن قرار دهد.

تلاش‌های محققان در جهت کشف روش تعامل قرآن با تاریخ

گرچه بسیاری معتقدند ابن خلدون اولین کسی است که به فلسفه تاریخ توجه نموده و به تاریخ رنگی علمی و فلسفی داده است، اما با مراجعه به آیات قرآن و روایات وارده پیرامون آن‌ها - که از پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است - و تلاش‌های فراوان اصحاب و پیروان ائمه اطهار که زمینه تدوین و بهره‌برداری از تاریخ اسلام را فراهم نموده، در می‌یابیم که امامان ما رسالت تاریخ را به خوبی دریافته و یک خط‌مشی علمی و یک جریان اساسی در جامعه مسلمان به وجود آورده‌اند، تا در برابر جریان تحریف تاریخ - توسط خلفا یا سردمداران منع تدوین سنت - ایستادگی نمایند. بر خلاف اهل سنت که عمدتاً خود را از ریشه‌های تاریخی خود بریده می‌بینند، شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت با وجود سختی‌ها و فشارهای بسیار، خود را در طول قرن‌ها از این آسیب حفظ نموده و توانسته‌اند متشیحاً تحولاتی گسترده در جهان باشند.

اخیراً عده‌ای از دانشمندان غیر شیعه به این واقعیت پی برده و خواستار حرکتی جدی در زمینه بازنویسی تاریخ به روایت و بیش‌تر دیگر شده‌اند، اما دیگر دیر شده است، زیرا کتاب‌های تاریخ تدوین

تلاش‌های محققان در جهت کشف روش تعامل قرآن با تاریخ

شده است و نمی‌توان آن‌ها را از درون کابینه‌ها و وجدان دانشمندان و محققان بیرون آورد، و هرچه نوشته می‌شود ریشه آن باید به همان منابع برگردد، و گرنه حرکتی سطحی و گذرا خواهد بود. البته این سخن به این معنا نیست که هرچه در منابع تاریخی اسلامی اعم از کتاب‌های سیره و حدیث و تفسیر و تاریخ آمده است نشان‌گر تمام واقعیت‌های تاریخی است و هیچ‌گونه تحریفی در آن‌ها رخ نداده است، بلکه نشان‌گر عمق جریان تاریخ‌نگری و تاریخ‌گرایی است که ریشه‌های اصلی آن را قرآن کریم به وجود آورده و امامان معصوم آن را تقویت نموده‌اند.

بر خلاف آن چه تصور می‌شود که انسان‌های تاریخ گرا، همیشه در گذشته زندگی می‌کنند و از مسایل روز و آینده بیگانه‌اند، باید گفت دقیقاً خلاف این ادعا صحیح است؛ یعنی انسان‌های تاریخ‌نگر و تاریخ‌گرا، همیشه می‌توانند فراتر از زمان خود حرکت کنند، و به همین خاطر باید جریان تاریخ‌گرایی و تاریخ‌نگری را در کلیه رشته‌های علمی حیاتی تازه بخشید و آن‌را به گونه‌ای فعال‌تر و قوی‌تر مطرح نمود تا بتوان به سوی آینده‌ای روشن حرکت کرد.

۵۹۲۸

